



مبارزه دیپلماتیک قدرت ها در افغانستان در سال های 1919-1921

بیست و سوم جون 1919 با فیصله شورای کمیساریای جمهوری سوسیالیستی فدراتیف روسیه شوروی، یاکف (یعقوب) ز. سوریتس (1882-1952) در گذشته ژورنالیست و سپس نماینده تام الاختیار کمیساریای خلق در امور خارجی [وزارت خارجه] در ترکستان¹، به عنوان نماینده تام الاختیار [سیاسی] جمهوری سوسیالیستی فدراتیف روسیه شوروی در افغانستان گماشته شد.

در بافتار دیپلماتیک میسیون سوریتس که در مسکو برگزیده شده بود، پنج نفر بودند که در آن، افزون بر رهبر میسیون، کسان زیر شامل شدند: ای. ام. ریسنر - سکرتر اول میسیون، و. ام. کاباک - کارشناس مسایل نظامی که از سوی شورای نظامی انقلابی جمهوری گماشته شده بود؛ و. س. تومپوفولسکی - دستیار رایزن نظامی و ای. و. پرموشنکو - سر دسته گروه پاسبانی میسیون، که از روی کرسی وی می توان گفت که رایزن نظامی میسیون شمرده می شد.² دیگر اعضای میسیون می بایستی در تاشکنت به آن می پیوستند. مگر ترکستان از پیکر روسیه مرکزی «جدا» شده بود و اطلاعات دقیقی در باره امکانات پرواز با هواپیما تا تاشکنت در دست نبود و اعضای میسیون ناگزیر منتظر پیروزی پیشتازانه ارتش سرخ در آق تپه (استان اکتیوبینسک در قزاقستان) می نشستند. تنها پاییز 1919 گروه اصلی میسیون سوریتس که آهنگ سفر به تاشکنت را داشت، سر انجام آماده شد به کابل برود.

هنگامی که سوریتس در دسامبر 1919 به کابل رسید، تصور روشنی در باره وضعیت راستین امور در افغانستان نداشت. پاییدن در ترکستان که در آن هنگام در آن جا اندیشه لزوم از سرگیری عملیات نظامی از سوی افغانستان با انگلیسی ها (به ویژه نزد فرماندهی جبهه ترکستان) چیره بود، تاثیر نیرومندی بر وی برجا گذاشته بود. وی. سوریتس در آن هنگام تردیدی نداشت که مسکو از این موقف حمایت می کند. این در حالی بود که وی هنگام گماشته شدن به کابل، از رهبری شوروی رهنمودهایی گرفته بود مبنی بر «جلوگیری از عقد پیمان صلح (دقیق تر از امضای معاهده) میان افغانستان و انگلیس برای بر انگیختن برخورد جدید میان افغان ها و انگلیسی ها»³. دو روز پیش از رفتن میسیون وی به کابل، م. و. فرونزه - فرمانده جبهه ترکستان که تازه از مسکو برگشته بود، اطلاع داد که در باره گسیل «دو تیپ پیاده و مقداری جنگ افزار و مهمات»⁴ به کابل فیصله شده است. برای اعضای میسیون شوروی، روشن بود که مرکز به رغم عقد قرار داد مقدماتی صلح افغان و انگلیس، کماکان بر آن است که وظیفه اصلی سیاست شوروی در شمال خاوری، از سرگیری نبرد میان افغانستان و انگلیس است. این بار، دیگر، با پشتیبانی اقتصادی و نظامی جمهوری سوسیالیستی فدراتیف روسیه.

¹ . تا اواخر سده نهم، بخشی از شمال افغانستان رسماً به نام ترکستان افغانی، سرزمین های فرارود به نام ترکستان روسی و سرزمین کاشغر که اکنون به نام ایالت سینکیانگ جمهوری توده یی چین یاد می شود، به نام ترکستان چینی خوانده می شدند که بنا به دلایل سیاسی، تقریباً همزمان هر سه نام از سوی سه کشور افغانستان، چین و شوروی کنار گذاشته شدند - گ.

² . بایگانی سیاست خارجی امپراتوری روسیه، فوند 071، پرونده ویژه 2، پرونده 1، پوشه 2، برگ های 28، 29 و 45 .

³ . مرکز نگهداری و بررسی اسناد تاریخ نوین روسیه، فوند شماره 5، پرونده ویژه 1، پوشه 2116، برگ 6 .

⁴ . بایگانی سیاست خارجی امپراتوری روسیه، فوند 071، پرونده ویژه 1، پوشه 101، موضوع شماره 4، برگ 101.

سوریتس، با رسیدن به کابل، آغاز به گفتگو با افغان ها با توجه به واریانت اتحادیه نظامی- سیاسی با افغانستان نمود. مگر به سرعت درک کرد که در کوتاهمدت، کشاندن افغانستان به جنگ در برابر انگلیسی ها ممکن نیست و با گذشتن «منافع دیرپا و مشترک هر دو کشور» در شالوده مناسبات افغانستان- روسیه، بر بستن پیمان نظامی پافشاری نکرد.⁵

دیپلمات های شوروی، به تاریخ 31 دسامبر 1919 و سپس به تاریخ 13 جنوری 1920، در نتیجه نشست چندین ساعته، اساسا با افغان ها در باره متن قرار داد آینده به تفاهم رسیدند.⁶ در روند این گفتگوها برای سوریتس روشن گردید که کابل نمی خواهد با روسیه به زبان دیپلماسی معاصر «موافقت نامه تفاهم» را هرگاه این موافقت نامه از پشتوانه اعداد مشخص و تعهدات کمک به افغانستان برخوردار نباشد، به امضاء برساند. او به مسکو گزارش داد کلیه تلاش های مبنی بر جداسازی امضای موافقت نامه عمومی از تعیین همزمان کلیه اعداد و تفصیلات و جزییات کمک هایی که باید داده شود، به موفقیت نینجامیند و با پاسخ منفی امان الله خان رو به رو گردیدند.⁷ چون به مساله ابعاد کمک نظامی، رنگ و بوی سیاسی داده شده است و ادامه گفتگوها از حل آن بستگی دارد.

سوریتس تعهدات زیرین دو طرف را بر شمرد:

- کمک نظامی روسیه شوروی به افغانستان به میزان 1 میلیون روبل طلایی به عنوان یارانه سالانه،
- گشایش قونسولگری های شوروی در جلال آباد، قندهار و غزنی،
- جانب شوروی باید حق مناسبات بلافصل با قبایل را به دست آورد،
- دو طرف کنوانسیون پستی و قرار داد تجاری را امضاء نمایند،
- هر دو طرف استقلال خیوه و بخارا را به رسمیت می شناسند،

در مسکو، رسیدن اطلاعات مبنی بر پیشبرد گفتگوها پیرامون اتحاد نظامی- سیاسی با افغانستان از سوی کابل و تاشکنت در باره راه اندازی عملیات باهمی نظامی بر ضد انگلیس، ناخشنودی بس بزرگی را بر انگیزتند. در حالی که آرزومندی فرماندهی جبهه ترکستان بر وارد شدن افغانستان [در جنگ] در برابر انگلیسی ها، هنوز هم نیرومند بود.

کمیساریای خلق در امور خارجه، نگرانی خود را در باره آن که روسیه می تواند بر سر افغانستان با انگلیس درگیر کشاکش گردد، ابراز داشت. گ.و. چیچیرین با پیام محرمانه به ش. ز. ایلیاوا- نماینده تام الاختیار جمهوری سوسیالیستی فدراتیف روسیه شوروی در ترکستان، عضو با نفوذ کمیسیون ترکستان، با قاطعیت اعلام داشت: «ما هیچگاهی در باره اتحاد با افغانستان سخن نگفته ایم. اتحادیه دفاعی، هرگاه با انگلیس صلح نماییم، ما را در وضع بس دشواری قرار می دهد.»⁸

سخنان کمیسار خلق در امور خارجی، پرده از روی علت اصلی نگرانی پدید آمده در مسکو و تغییر موقف آن برداشت: نزد رهبران کمیساریای خلق در امور خارجه امیدهای پدید آمدند مبنی بر دستیابی به توافق با انگلیس که می توانست جبهه ضد شوروی را فروپوشاند و از یک تجاوز خارجی نو جلوگیری نماید. به رغم آن که هدف رسمی گفتگوهای شوروی- بریتانیا، امضای توافقنامه تجاری میان دو کشور بود، تعیین کننده ترین مسایل هنگام تدوین و عقد آن، روی هم رفته مسایل یکسره سیاسی بودند: به رسمیت شناختن روسیه شوروی [از سوی انگلیس] به شکل د- فاکتو، خود داری از تبلیغات و اقدامات خصمانه در برابر یکدیگر، از جمله در خاور.⁹

⁵ . همان جا، فوند 071، پرونده ویژه 2، پرونده 02، پوشه 2، برگ 70.

⁶ . مرکز نگهداری و بررسی اسناد تاریخ نوین روسیه، فوند 5، پرونده ویژه 2116، برگ 3

⁷ . بایگانی سیاست خارجی امپراتوری روسیه، فوند 071، پرونده ویژه 2، پرونده 102، پوشه 2، برگ 70

⁸ . مرکز نگهداری و بررسی اسناد تاریخ نوین روسیه، فوند 5، پرونده ویژه 1، پوشه 2116، برگ 4.

⁹ . برای به دست آوردن آگاهی های بیشتر نگاه شود به: تاریخ سیاست خارجی شوروی 1917-1975، زیر نظر: اندره گرومیکو و بوریس پونوماریف، جلد 1، مسکو، 1976، صفحات 126-130.

چون دیپلمات‌های شوروی، پیش از این‌ها، با افغان‌ها در باره متن قرارداد آینده به تفاهم رسیده بودند، چیزی که در باره آن به مسکو گزارش داده بودند؛ صرف نظر نمودن از طرح هماهنگ شده، می‌توانست جنجالی را برپا نماید و اعتماد نسبت به سیاست شوروی را در خاور لوزان سازد. از این رو، گ.و. چیچیرین، با هشدار دادن به ش.ز. ایلیاوا در باره ناروا بودن برداشتن کدامین گام‌های «بدون هماهنگی با مراجع مرکزی»، کوشید اشکال «تراشیده شد» قرار داد افغانستان - شوروی را جستجو نماید.

چیچیرین بدون آن که آرزو نماید که مانند گذشته در باره «اتحاد با افغانستان سخن بگوید، متمایل به آن گردید که در توافق نامه تنها در باره «ارایه متقابل کمک‌ها» یاد آور شود. با بسنده نمودن به وعده دادن به گسیل جنگ افزارها، نه نیروی انسانی. در کاخ کرملین نمی‌خواستند کدامین تعهدات را در زمینه پیشبرد عملیات نظامی باهمی در صورت اعلام جنگ از سوی انگلیس در برابر افغانستان، به گردن بگیرند.¹⁰

پس از چندی، کوریه دیپلماتیک پست دیگری را به کابل آورد. در دستور العمل‌های رسیده، ارقام مشخص ارایه کمک به افغانستان به چشم نمی‌خورد. همزمان با آن، سوریتس رهنمودهایی به دست آورد از کمیسیون ترکستان مبنی بر این که در شالوده قرارداد افغانستان - شوروی اتحاد نظامی - سیاسی را قرار بدهد. دیگر برای سوریتس اختلاف در مواضع کمیساریای خلق در امور خارجی و کمیساریای با صلاحیت خلق در امور خارجی ترکستان، روشن گردید. از همین رو، از دادن اطلاع در باره دستورهای به دست آورده به رهبری افغانستان خود داری ورزید و توقف گفتگوها را اعلام نمود. تنها در اوایل ماه مارچ با تکیه بر رهنمودهای مستقیم کمیسیون ترکستان که تقاضا می‌نمود روند گفتگوها را ادامه دهد، به افغان‌ها اعلام داشت که در شالوده گفتگوهای آینده، اندیشه بستن پیمان نظامی - سیاسی را خواهد گذاشت. با آن که خود دیگر به کلی با بدبینی به امکانات کشانیدن افغانستان به جنگ [با انگلیس] بدون کمک کافی شوروی می‌نگریست.¹¹

سوریتس، نزدیک به یک ماه و نیم چشم به راه پست دیپلماتیک با دستورهای تازه بود. پست سیاسی رسیده به تاریخ 4 ماه مارچ در بردارنده تقاضای بود خلاف خواست افغانستان مبنی بر «کشانیدن آن به جنگ با انگلیس تا فرارسیدن بهار امسال». به دستورهای مسکو، پروتکل‌های نشست کمیسیون ترکستان با نمایندگان افغان در تاشکنت پیوست گردیده بود که در بردارنده برنامه بسیار گسترده اتحادیه دفاعی - تهاجمی بود. سوریتس با به دست آوردن دستورهای ضد و نقیض، راه خود را گم کرده بود. روشن نبود که چگونه با گفتگوهای تاشکنت و فیصله‌های اتخاذ شده در آن جا، برخورد نماید: به سان مبنایی بی برای گفتگو با کابل و یا این که به سان مبنایی برای اتخاذ تصمیم نهایی. گذشته از آن، نامه ل.م. قره‌خان - معاون کمیسار خلق در امور خارجی عنوانی ش.ز. ایلیاوا خواستار آن بود که در گفتگوها در کابل همه چیز را به گونه بی نشان بدهید که بدون آن که به افغان‌ها چیزی بدهیم، به آنان چنین حالی نماییم که ما به آن‌ها چیزهایی خواهیم داد»¹² این دستور، همه نقشه‌ها را برهم زد و به باور ای.ام. ریسنر، ناگزیر ساخت گمان زد که حتا در صورت درگرفتن جنگ «به امارات [افغانستان] جایگاه درجه دومی در مشی آسیای میانه بی ما داده خواهد شد»¹³

مگر افغان‌ها با از دست دادن شکیبایی و با آگاهی از آن که نماینده سیاسی شوروی پست دیپلماتیک را به دست آورده است، خود پیشنهاد نمودند تا گفتگوها ادامه یابد. محمود طرزی - وزیر خارجه در زمینه آن که نمایندگان شوروی نه به گونه تصادفی گفتگوها را قطع نموده اند و در لندن سرگرم جر و بحث با انگلیسی‌ها هستند و این که این امر می‌تواند در مناسبات افغانستان و شوروی بازتاب یابد، ابراز سوء ظن نمود. سوریتس با اعلام آن که بنا به اطلاعات دست داشته، جانب افغانی نیز سرگرم رایزنی‌ها با انگلیسی‌ها هستند¹⁴، این کنایه را پاسخ گفت.

¹⁰ . مرکز نگهداری و بررسی اسناد تاریخ نوین روسیه، فوند 5، پرونده ویژه 1، پوشه 2116، برگ 4 .

¹¹ . همان جا، برگ 61 .

¹² . همان جا، برگ 45 .

¹³ . بایگانی سیاست خارجی امپراتوری روسیه، فوند 071، پرونده ویژه 1،

پرونده 101، پوشه 4، برگ‌های 110-112

¹⁴ . همان جا، فوند 071، پرونده ویژه 2، پوشه 102، برگ 46

به راستی، به تاریخ 9 مارچ 1920 لرد چلمسفورد- وایسریای هند به دولت افغانستان پیشنهاد نمود تا گفتگوها را از سر گیرند.¹⁵

محمود طرزی که برای رفتن به مذاکرات انگلیس و افغانستان در میسور آماده می شد، خواستار برپایی مناسبات دیپلماتیک با بریتانیای کبیر بود و به همین خاطر می خواست پر(کارت) برنده گفتگوهای افغانستان- شوروی را دست داشته باشد. روشن است افغان ها ترجیح می دادند تایید آمادگی رهبری شوروی را مبنی بر ارایه کمک نظامی داشته باشند، مگر خود نفس پیشبرد مذاکرات نیز مهم بود.

سوریتس، برای ترغیب کابل به ادامه گفتگوها با نمایندگان شوروی، [در دیدار] با طرزی تایید کرد که امیدوار به امضای پیمان نظامی- سیاسی میان روسیه شوروی و افغانستان است. مگر، به تاریخ 13 مارچ از کمیسیون ترکستان رادیوگرامی را از ل.م. قره خان به دست آورد که از روی آن دانست کمیساریای خلق در امور خارجی بی چون و چرا ضد اتحادیه نظامی- دفاعی با افغانستان است.¹⁶ به باور ای. م. ریسنر، این رادیوگرام به رغم بی پیرایه بودن خود «به معنای تحول کامل» همه سیاست پیشین جمهوری سوسیالیستی فدراتیف روسیه شوروی «را در افغانستان بود»: انصراف از پیمان نظامی که سوریتس نگاهی آن را ابراز داشته بود و خود داری عملی از ارایه کمک های ملموس که وی در گفتگوهای 31 دسامبر 1919 و 13 جنوری 1920 وعده داده بود. سرانجام، به تاریخ 25 مارچ میسیون دیپلماتیک شوروی پست سیاسی گ.و. چیچیرین را به دست آورد که در آن، وی تاکید کرده بود که به موافقتنامه آینده با افغانستان، نباید رنگ پیمان نظامی داد.¹⁷

رهنمودهای مسکو، این گونه، نه تنها آنچه را که سوریتس در کابل به آن دست یافته بود، بل نیز شالوده گفتگوهای تاشکنت را در باره اتحادیه تهاجمی- تدافعی فسخ نمود. بار دیگر، اندیشه کمک های نظامی یک جانبه سر از نو مطرح گردید. مگر با ارقام مشخصی که با آن که می شد دلچسپی کابل را برانگیخت، پیشنهاد نکرید. به هر پیمان که تاریخ سفر هیات افغانی برای دیدار با انگلیسی ها نزدیک تر می شد، به همان پیمان دلهره دولت کابل بیشتر می شد. «در رهبری افغانستان، پیشنهاد انگلیسی ها مبنی بر از سرگیری مذاکرات، اختلافات تازه بی را بر انگیخت. نادر خان- وزیر حربیه و طرزی- وزیر خارجه، دیدگاه های متضادی را ابراز می داشتند. نادرخان در راس آن بخشی از کابینه قرار داشت که ضد گفتگوها با انگلیسی ها بود و بر امضای هرچه سریعتر قرارداد با روسیه برای ادامه پیشگیری سیاست پویای انگلیسی ستیزی به یاری شوروی در مرزها پافشاری داشت. بقیه اعضای کابینه به رهبری طرزی می پنداشتند که نزدیکی تنگاتنگ با روسیه شوروی، استقلال افغانستان را تهدید می کند (مثال هایی آورده می شد؛ چون: خیوه، ترکستان، اعمال فشار شوروی بر بخارا و در باره وفانکردن شوروی ها به وعده های پیشین ایشان در زمینه مسایل [اختلافات] ارضی).¹⁸ امیر، روی هم رفته متمایل به حمایت از موقف نادر خان بود. مگر می دانست که اوضاع کنونی در مرزها با هند، از آن چه که در 1919 بود، متفاوت است.

امان الله خان بی آن که منتظر ابتکار جانب شوروی در باره ادامه مذاکرات بماند، خود سوریتس را بار داد. دیدار که به تاریخ 27 ماه مارچ صورت گرفت، در حضور طرزی- وزیر خارجه و نادر خان- وزیر حربیه، پشت درهای بسته برگزار گردید. عدم حضور یاوران خاص امیر در سالون، گواه بر اشد محرم بودن مذاکرات بود.¹⁹ افغان ها موقف واحدی نداشتند. مگر امیر و وزیر حربیه بر آن بودند که هرگاه از جنگ با انگلیسی ها ناگزیر باشد، اکنون بهترین موقع است و همه چیز بستگی به کمک واقعی دارد. در روند دیدار، محمد نادرخان مسکو را به تهاجم باهمی در برابر انگلیسی ها فرا خواند.

در گزارش سوریتس به مسکو، وی به تفصیل خواهش نادر خان را بازتاب داد: «هرگاه فرماندهی شما دست به تهاجم به خراسان بزند، [آن گاه] افغان ها آغاز به تعرض از هرات نموده و به کشاکش سیستان ضربه وارد خواهند

¹⁵. آدمک، ل. دلیو، افغانستان، 1990-1923، تاریخ دیپلوماتیک، برکلی و لس آنجلس، 1967، ص 141؛ تیپلینسکی، ل. ب.، تاریخ مناسبات افغانستان- شوروی 1919-1987، زیر نظر یو. و. گانکفسکی، مسکو، 1988، ص 53.

¹⁶. بایگانی سیاست خارجی امپراتوری روسیه، فوند 071، پرونده ویژه 2، پرونده 102، پوشه 2، برگ 52.

¹⁷. همان جا، فوند 071، پرونده ویژه 1، پرونده 101، پوشه 4، برگ های 121-122.

¹⁸. همان جا، برگ 124.

¹⁹. همان جا، فوند 071، پرونده ویژه 2، پرونده 102، برگ 54.

نمود و خیزش سراسری قبایل را برخواهند انگيخت. همه قبایل هوادار جنگ بی درنگ هستند. همه چیز بستگی به اسلحه دارد.»

این گونه، افغان ها اندیشه عملیات نظامی همزمان یکجا با ارتش سرخ و قبایل آزاد پشتون بر ضد انگلیسی ها و متحدان آن ها که بخش چشمگیر گسترده خاورمیانه و نزدیک را پس از پایان جنگ جهانی [اول] در دست داشتند، در سر می پروراندند. افزون بر آن، سوریتس رسماً اعلام نموده بود که کابل آماده است از «جنبش انقلابی در هند» و عملیات محرم نظامی بر ضد انگلیسی ها در مرز هند و افغانستان پشتیبانی نماید. این سخنان نادر خان تأیید برنامه های تهاجم باهمی به هند به کمک «ارتش انقلابی هند» ایجاد شده در خاک افغانستان بود. وزیر حربیه به سوریتس اسناد محرمی را نشان داد: تصاویر محل و خطوط راه آهن در خاک هند را که باید انفجار داده شوند. افغان ها آماده بودند هیاتی را به ترکیه و همچنان به نیپال و تبت با پیشنهادهایی در باره اقدامات باهمی ضد بریتانیا گسیل دارند.

سوریتس خبر بس مهمی را برای دیپلماسی شوروی به دست آورد: بنا به پافشاری وزیر حربیه، حکومت افغانستان به نمایندگان قبایل مرزی پشتون اجازه داد تا تماس هایی مستقیمی را با دیپلمات های شوروی برقرار نمایند و حتا از طریق خاک افغانستان به خاک ترکستان شوروی بروند. این شرایطی بود که نظامیان و دیپلمات های شوروی از همان آغاز آرزوی آن را داشتند و از مدت ها پیش آن را می خواستند که این کار، میدان را در برابر آنان برای فعالیت های استخباراتی و تبلیغاتی در مرز هند باز می کرد. افغان ها در برابر این خواست شوروی ها مدت ها با شمردن گستره قبایل به عنوان بخشی از میهن خویش که کار در آن می توانست تنها با پادرمیانی کابل آغاز گردد، مخالفت کردند. سوریتس این فیصله را چونان «خیلی ها مسوولانه» که در واقع عبارت بود از «انصراف از انحصار دفاع شونده پیشین» ارزیابی نمود.²⁰

پذیرایی صادقانه از دیپلمات های شوروی که پرده از آماده گیری های پنهانی رزمی افغان ها در برابر انگلیسی ها برداشت، هیچ شک و تردیدی در مصمم بودن رهبران افغانستان، دست کم تردید خود امیر و نادرخان پرنفوذ، بر کلیه جنبه های استقلال ملی و تحکیم تخت برجا نگذاشتند.

پذیرایی امیر، نماینده سیاسی شوروی در کابل را بر تمایلات افغان ها مبنی بر دستیابی به اهداف شان از راه های سخت ابزاری که در 1919 به بار نشسته بود که طی زمان بسیار کوتاه امیر را به قهرمان ملی مبدل نمود، متقاعد ساخت. مگر، کنون دیگر امان الله خان نمی توانست مانند 1919 بدون به دست آوردن تضمین استوار مالی و مادی، رفتار نماید. سوریتس با دادن وعده کمک نظامی به امیر در آینده ناپیدا، ناممکن بودن تهاجم گسترده ضد انگلیسی را درک می کرد.

او همچنان به طرح کمیته اجرایی کمینترن، در زمینه رخنه انقلابی به هند، به یاری افغانستان، با شک و تردید می نگرست. او می پنداشت که کنون با تمایلات موجود نزد رهبری افغانستان، به آسانی می توان پای افغانستان را به تهاجم بر ضد انگلیسی ها کشانید. مگر، در آن تردید داشت که افغان ها بدون پشتیبانی چشمگیر شوروی، کدام گامی بردارند.²¹

مگر در دیدار با امیر، سوریتس نمی خواست هیچ چیز مشخصی را وعده بدهد. امیر با درک بیهوده بودن به دست آوردن کمک سریع نظامی از روسیه شوروی و بالاتر از آن تهاجم باهمی در برابر انگلیسی ها، ناگزیر بود از موقف نرم تر طرزی- وزیر خارجه پشتیبانی نماید و هیات افغانی را به میسور گسیل دارد.

مگر امیر نمی توانست چنین موقف شوروی ها را با پنداشتن آن که همو آن ها افغانستان را به مذاکره با انگلیسی ها کشانیدند، فراموش نماید و ببخشد. نه تنها دور دیگر سرد شدن مناسبات دو جانبه، بل، دور باز اندیشی افغان ها در باره موقف نو شان- میان دو قدرت بزرگ فرا رسید. همو در همین وقت، [نه تنها] آرزوی کابل مبنی بر آوردن فشار نظامی به یاری روسیه برانگلیس، به یاس مبدل گردید؛ بل اندیشه های امیر به سخن ای. ام. ریسنر، از عرصه سیاست های جهانگشایانه، به عرصه سیاست های استوار بر «شالوده خردمندانه تر متحول ساختن صلح آمیز کشور» دگر دیسی پذیرفت.²²

افغان ها به عنوان واکنش پاسخی، به موقف غیر پیگیرانه روسیه شوروی، همه پیشنهادهای اصولی بی را که در دیدار محرم با نماینده سیاسی شوروی یادآوری شده بود، پس گرفتند و انجمن مهاجران به وجود آورده شده از سوی

20 . همان جا .

21 . همان جا ، برگ 55.

22 . همان جا ، فوند 071، پرونده ویژه 1، پرونده 101، پوشه 4، برگ 125.

رهبران جنبش ملی هند- عبدالرب و ت. آچاری که گره عمده پیوند دهنده میان نمایندگی دیپلماتیک شوروی و عشایر مرزی بود، فرو پاشانیدند.

دیدار هیات های افغانی و انگلیسی به تاریخ 18 اپریل 1920 در میسور آغاز گردید. هیات افغانی به رهبری طرزی، گفتگوهای بسیار خسته کننده یی را که نزدیک به چهار ماه به درازا کشیدند، پیش بردند که تنها به تاریخ 24 جون به پایان رسید. انگلیسی ها کوشیدند برپایی مناسبات دیپلماتیک را که به معنای به رسمیت شناختن نهایی استقلال این کشور بود، به تعویق بیندازند. توافق های مشخصی به جز از [پخش] اعلامیه در باره آرزومندی دو طرف مبنی بر مبادله نمایندگان رسمی در آینده، به دست نیامد. افغان ها زیر فشار نیرومند، ناگزیر بودند ناروا بودن پروپاگند ضد بریتانیایی (برای همه روشن بود که هم از سوی شوروی ها) در هند را اعلام نمایند، مگر به برهم زدن مناسبات با روسیه شوروی- آن گونه که بریتانیای کبیر می خواست، موافقت نکردند²³

دیپلمات های شوروی، مادامی که نتایج گفتگوهای میسوری در کابل روشن نبود، دوگانگی وضعیت خود را احساس می کردند. افغان ها با پیشبرد گفتگوها با دو طرف رقیب، در وضعیت سودمندتری قرار داشتند. همچنان جزئیات جدیدتری در رفتار افغان ها پدیدار گردید. امیر، پس از رفتن هیات افغانی برای گفتگوها، اعلام داشت که می خواهد بی طرفی جدی را هم در مناسبات با انگلیس و هم در مناسبات با روسیه شوروی پیش گیرد و افغانستان را به کارزار کشاکش دو قدرت مبدل ننماید. سوریس که می دید که این گونه طرح مساله، سیمای مناسبات افغانستان- شوروی را از ریشه دگرگون می سازد، نمی توانست خاموش بماند. برای وی روشن بود که رهبری افغانستان می تواند بر کلیه مساعی دیپلماسی شوروی که مایل است افغانستان را هر گاه نه به عنوان همپیمان، دست کم یک ابزار گوش دهنده در مبارزه با انگلیس مبدل نماید، خط بطلان بکشد. او با نگرانی پنهان نکردنی یی حالی کرد که «افغانستان با گذاشتن نشانه تساوی میان ما و انگلیس، نیاپستی به کمک ما سنجش نماید»²⁴.

افغان ها بی درنگ به گونه بایسته پاسخ گفتند: در میانه های اپریل، در کابل، مجلس دربار (جرگه) با حضور نمایندگان قبایل مرزی، برگزار گردید. امیر در تفاوت از سخنرانی های پیشین، بس با خونسردی در باره روسیه شوروی سخن گفت و به حاضران پیشنهاد کرد تا با اظهارات دوستانه بلشویک ها با احتیاط برخورد نمایند و همزمان با آن قبایل را به آن فرا خواند تا برای چندی از پیکارهای مسلحانه با سپاهیان انگلیسی دست نگه دارند²⁵.

نمایندگان شوروی در کابل، دیگر از میانه های اپریل، از روی نامه های رد و بدل شده میان تاشکنت و مسکو آگاهی یافته بودند که خودداری کرملن از امضای اتحادیه نظامی با افغانستان، نه آن چنان به دلیل تردید در امکانات تحقق عملی آن، بل به دلیل توافقنامه در دست امضاء با انگلیس، با هراس از برهم خوردن آن بود²⁶. مگر نبود نتایج ملموس در مناسبات شوروی- بریتانیا که مسکو به روی آن حساب باز کرده بود و تلاش های افغان ها مبنی بر از سرگیری دو باره تماس ها با انگلیسی ها، مسکو را بر آن داشت تا به عقد توافقنامه دو جانبه با کابل در گام نخست، در مقابل انگلیس شتاب نماید.

سوریس، به تاریخ ششم ماه می، در دیدار با امیر، تمایش را مبنی بر از سرگیری گفتگوها و در باره رهنمود حکومت شوروی مبنی بر امضای قرار داد در کابل اعلام داشت. او وعده سپرد که پیش از 22 ماه می، پیش نویس توافقنامه را به امیر پیشکش نماید. سوریس که این بار اوضاع را بس «باریک» می پنداشت و می دانست که «چه تاثیر منفی یی را **عقب نشینی** جدید در این مساله، بر جا می گذارد»، از کمیساریای خلق در امور خارجی خواست که تا 22 می، ارقام مشخص کمک نظامی مورد نظر را به او اطلاع بدهند و هشدار داد در غیر

²³ . مرکز نگهداری و بررسی اسناد تاریخ نوین روسیه، صندوق 5 ،

پرونده ویژه 1، پوشه 2179، برگ 7 .

²⁴ . بایگانی سیاست خارجی امپراتوری روسیه، فوند 071 ، پرونده ویژه

2، پرونده 102، پوشه 2، برگ 155.

²⁵ . همان جا، فوند 071، پرونده ویژه 1، پرونده 101، پوشه 4، برگ 133.

²⁶ . همان جا، برگ 126

آن، او [ناگزیر] ارقامی را که [افغان ها] در گفتگوهای ماه جنوری به وی ارایه نموده بودند، در شالوده گفتگوهایی که از سر گرفته خواهند شد، خواهد گذاشت.²⁷

زمان می گذشت، مگر مرکز خاموش بود (پسانترها، روشن گردید که این خاموشی ناشی از آغاز آماده گیری بلشویک ها به خاطر سرنگونی امیر بخارا بود). سوریتس به تاریخ 26 ماه می ناگزیر بود به وزارت خارجه افغانستان مسوده پیشین قرار داد را گسیل دارد.²⁸ مگر او در تمایلات خود مبنی بر [آن که] با افغان ها به توافقنامه دو سویه سودمند دست یابد، صادق نبود. او در «نهانخانه ذهن» خود می پنداشت که بازتاب دادن ارقام و اعداد کمک نظامی شوروی در قرار داد، به معنای آغاز تحویلهای جنگ افزارها نخواهد بود. او، در ماه جون 1920، با آگاهی یابی از پاگیری مقاومت باسماچی ها در ترکستان و بخارا، اعتراف می کرد که از همه انواع کمک ها که می بایستی کنون به افغانستان ارایه نمود، «دادن جنگ افزار، «نادلبخواه» ترین آن ها است».²⁹

نمایندگی سیاسی شوروی در کابل، تنها به تاریخ ده جون، تاییدیه حجم کمک وعده داده شده به افغانستان را به دست آورد.³⁰ و کمیسیون مشترک افغانستان- شوروی در زمینه تدوین پیش نویس قرار داد، ایجادگردید. گفتگوهای افغانستان- شوروی به تاریخ 24 جون، پس از پنج ماه گسست، از سر گرفته شد. در این روز، نشست به مناسبت بررسی پیش نویس [تهیه شده از سوی افغانستان]، که عقد همزمان سه موافقت نامه را در برداشت: تجاری، پیمان [نظامی]- «در صورت حمله ناگهانی انگلیسی ها» و موافقتنامه در زمینه بی طرفی دوستانه؛ برگزار گردید. افغان ها خواستار کمک های نظامی- فنی بودند که ابعاد آن چند بار بیشتر از آن چه بود که سوریتس پیشنهاد نموده بود. افغان ها، همچنان، بر تضمین حقوقی انصرف جانب شوروی از تبلیغات کمونیستی در افغانستان، پافشاری داشتند.

سوریتس به محض آشنا شدن با پیش نویس تدوین شده از سوی افغان ها، آن را همچون «ناشدنی» ارزیابی نمود. او، با اعلام نمودن این که این گونه تقاضاها **سوء قصد** بر نظام اقتصادی شوروی است و حکومت شوروی هیچگاهی به انجام آن مبادرت نخواهد ورزید، اعتراض شدیدی بر حکومت [افغانستان] وارد آورد و سر انجام، آشکارا حالی کرد که به نمایندگی از حکومت خویش ماموریت دارد تا قرار داد را تنها بر اساس پیش نویس ارایه شده از سوی شوروی به بررسی بگیرند و به برهم زدن مناسبات تهدید کرد. اعلامیه او تاثیر چشمگیری برجا گذاشت. امیر لحن سخنان خود را آرامتر ساخت و تلاش ورزید بسیاری از بندهای پیش نویس خود را نرمتر سازد و سرانجام موافقت نمود تا واریانت ارایه شده از سوی شوروی را به عنوان شالوده گفتگوها بپذیرد.³¹

هیات طرزی به تاریخ 2 اگوست به کشور برگشت و به گونه باشکوهی پذیرایی گردید. طرزی در سخنرانی خود در برابر پذیرایی کنندگان- افسران و کارمندان وزارت خارجه، در باره موفقیت آمیز بودن سفر هیات خویش سخن گفت و از آغاز عصر جدیدی برای افغانستان اطلاع داد. راستش او در باره آن که این مثنی سیاسی جدید عبارت از از چه چیزی است، سخن نگفت و آن را تشکافت. از همه این ها، نمایندگان شوروی در کابل تنها یک چیز را برای خود روشن ساختند: در گفتگوهای افغان- انگلیس گسست رخ داده است که بی چون و چرا منجر به محدودیت کارهای تبلیغاتی و استخباراتی شوروی در هند از طریق افغانستان می گردد. سوریتس، در نامه ها به تاشکنت و به مسکو، تاریخی 4 اگوست 1920 نتیجه گیری کرد: در رابطه با راه اندازی کار تبلیغاتی شوروی در هند، «پُر ما در افغانستان «رنگ»³² خورده است».³³

همگام با آن، نگرانی افغان ها، در رابطه با گزارش های رسیده به کابل و آوازه های پخش شده در باره تشدید بحران در بخارا، بیشتر می شد. سوریتس، بنا به رهنمود مسکو، برنامه سرنگونسازی امیر بخارا را از رهبران

27 . همان جا، فوند 071، پرونده ویژه 2، پوشه 102، موضوع 2، برگ های 90-90 ب .

28 . همان جا، پرونده ویژه 1، پوشه 4، برگ 150.

29 . مرکز نگهداری... فوند 5، پرونده ویژه 1، پوشه 2924، برگ 43.

30 . بایگانی... فوند 071، پرونده ویژه 2، پوشه 102، برگ 140.

31 . همان جا، برگ های 110-110 ب.

32 . منظور از پر بازی (قطعه بازی یا ورق بازی) است

33 . مرکز نگهداری... فوند 5، پرونده ویژه 1، پوشه 2179، برگ 8.

افغان پنهان می کرد و با درک جدی بودن حوادث پیش آینده و با هراس از واکنش منفی افغانستان، به نهایی ساختن تدوین موافقتنامه شتاب می ورزید. افغان ها تقریباً همه بندهای اساسی پیش نویس ارائه شده از سوی شوروی را پذیرفتند (از جمله، همچنان در باره گشایش قونسولگری های شوروی در قندهار و هرات را)، منهای بندی که در باره تبلیغات در مرز با هند بود.³⁴»

هنگامی که پیک در باره رخدادهای بخارا، به کابل رسید، همه چیز برای امضای قرار داد متقابلاً سودمند افغانستان- شوروی فراهم بود و به گونه ای که انتظار می رفت، قرار داد به تاریخ 13 سپتامبر 1920 امضاء شد و دو طرف متعهد شدند آن را به تصویب برسانند. [این گونه]، این بار، کشاکش ها در دربار امیر، به سود گروه متمایل به روسیه (روسوفیل) به پایان رسید.

[به هر رو]، جانب شوروی انجام تعهدات زیر را به دوش گرفت:

- گذاشتن یارانه سالانه به میزان یک میلیون روبل با پشتوانه طلایی یا نقره ای به دسترس حکومت افغانستان؛
- تجهیزات لاین تلگراف کشاکش- هرات- قندهار- کابل،
- دادن 12 فروند هواپیما و سازماندهی آموزشگاه هوانواری،
- تحویلدهی دو بطریه توپچی با هشت توپ پدافوند هوایی،
- دادن 3000 قبضه تفنگ و به اندازه کافی مرمی؛
- ساختن کارخانه باروت بدون دود به کابل.³⁵

لندن، با آگاهی یابی از امضای این قرار داد، از ریشه یابی تاثیر شوروی در افغانستان پریشان گردیده و به همین سبب به تاریخ 7 جنوری 1921 هیات بریتانیایی به ریاست دابس به کابل آمد. انگلیسی ها هدف خود را چنین قرار داده بودند که جلو تصویب قرار داد افغانستان- شوروی را بگیرند و به امیر پیش نویس موافقتنامه افغانستان و انگلیس را پیشکش نمودند.

در کاخ کرملن، در آغاز، امر تصویب قرار داد را به تاخیر انداختند. این کار، نه تنها با تمایلاتی مبنی بر روشن ساختن موقف افغان ها پس از آمدن هیات دابس به کابل مرتبط بود، مگر، بیشتر با آن که بندهای جداگانه سند امضاء شده از سوی سوریتس برای مسکو، خوشایند نبود. حکومت شوروی تصمیم گرفت با شتاب متن جدید قرار داد را با نمایندگان رسمی افغانستان - محمد ولی خان [دروازی]، میرزا محمد خان یفتلی و غلام صدیق خان چرخ امضاء نماید. (از جانب شوروی، قرار داد را گ. چیچیرین و قره خان امضاء نمودند). در این حال، موفق شدند به تفاهم برسند که متن قرار داد امضاء شده در پاییز 1920 به گونه مقدماتی پذیرفته شود. به تاریخ 20 اپریل 1921 کمیته اجرایی مرکزی سراسری جمهوری شوروی فدراتیف سوسیالیستی روسیه، قرار داد را تقریباً بدون کدام تغییر به تصویب رسانید.

مگر در مسکو (که در وضعیت سیاسی بس ناگواری پس از امضای قرار داد جدید و تصویب یک جانبه آن از سوی شوروی قرار گرفته بودند)، هنگامی که روشن گردید که افغان ها نه تنها به گفتگوها با انگلیسی ها پایان نداده اند، بل در بسیاری از مسایل، متمایل به پذیرش خواست های آنان اند، هنگامه ای شگفتی برانگیزی برپا شده بود. سیاست آگاهانه، نیرنگ بازانه، سنجش شده و باریک بینانه و سازگار با روانشناسی افغان های دابس، به سرعت به آن انجامید که بسیاری از سیاستمداران برجسته افغانی و در گام نخست، طرزی- وزیر امور خارجه که تا این هنگام به انگلوفوبی (انگلیسی ستیزی) نامور بود، زیر تاثیر انگلیس از کار برآمد.³⁶ طرزی آماده بود با خواست های انگلیسی ها در باره ناروا بودن گشایش قونسولگری های شوروی در خاور افغانستان، در نزدیکی مرزهای هند، موافقت نماید- چیزی که توسط قرار داد 1921 افغانستان- شوروی (امضاء شده و کنون دیگر تصویب شده در مسکو)، به جانب شوروی اجازه داده می شد. در کابل می دانستند که این بند قرار داد، مهم ترین پیروزی دیپلماسی شوروی در رقابت با انگلیس شمرده می شود.

34 . همان جا، برگ 10.

35 . همان جا، فوند 62، پرونده ویژه 2، پوشه 243، برگ های 159-161.

36 . همان جا، فوند 5، پرونده ویژه 1، پوشه 2128، د برگ های 3-4.

سر از بهار و تا پایان پاییز 1921، مناسبات روسیه شوروی با افغانستان در حالت بحران جدی قرار داشت: موافقت ممکنه حکومت افغانستان با برخی از خواست های انگلیسی ها، می توانست قرار داد افغان- شوروی را بی مفهوم گرداند.

شانزدهم جولای 1921، ف. ف. راسکلنیکف- نماینده سیاسی جدید شوروی، به کابل آمد. او بی درنگ احساس کرد که اوضاع بی آرام است و مبارزه قدرت ها بر سر تاثیر در افغانستان بنا به اعتراف خود وی، «چرخیدن گردونه به سود ما را تهدید می نماید.»³⁷ او، در ماه اگوست 1921، در یکی از نامه ها عنوانی و ای. لینین، اوضاع را این گونه پرداز کرد: «چنین بر می آید تاثیر انگلیسی ها با پشتوانه بس استوار ثروت سرشار دولت متحده پادشاهی بریتانیا، دیپلماسی شوروی را که در پشت سر خود چیزی جز از گرد و خاک انقلابی، انگلیسی ستیزی پرهنگامه و [سراب] وعده های «لرزان» کمک نظامی نه چندان چشمگیر، تکیه گاهی ندارد، زمینگیر نموده است.»³⁸

روشن گردید که انگلیسی ها، به امیر، در صورت راه اندازی تبلیغات ضد شوروی در کشورهای مسلمان و در صورت انجام گفتگوها با دیگر کشورها با میانجیگری حکومت بریتانیا، 20000 میل تفنگ، 20 دستگاه توپ دور برد، جنگ افزار برای 20 گروهان تیربار، و یارانه سالانه نه کمتر از 4 میلیون روپیه، وعده داده اند. جنرال دابس اعلام نمود که حکومت وی، هرگاه افغانستان مناسبات دیپلماتیک خود را با روسیه شوروی برهم بزند و سفارت شوروی را از کابل بکشد و به اگنت های انگلیسی اجازه دهد بدون ممانعت از راه خاک افغانستان برای پیشبرد کار بر ضد حکومت شوروی به آسیای میانه بروند، استقلال افغانستان را به رسمیت می شناسد.³⁹ با آن که رهبری نظامی شوروی- به گونه یی که این کار را انگلیسی ها هم می کردند-، به آوردن فشار بر حکومت افغانستان، با برگزاری چند نمایش قدرت در مرزها دست یازیدند، مگر دیپلماسی شوروی را نه این کار، بل تنها نرمش ناپذیری انگلیسی ها که از افغان ها خواستار چیزی بودند که آنان دیگر نمی توانستند با آن موافقت نمایند- بازگشت به کنترل انگلیسی ها بر روابط خارجی کشورشان، [از شکست] نجات داد.

افغان ها، با رد خواست های انگلیسی ها، سر از نو در برابر لزوم تصویب قرار داد شوروی- افغان قرار گرفتند. راسکلنیکف و سوریتس، به تاریخ 1 اگوست 1921، ناگهانی برای انجام گفتگوهای محرمانه با امیر به پغمان دعوت شدند. امان الله خان با اطمینان اعلام داشت که به تاریخ 3 اگوست قرار داد با روسیه به تصویب خواهد رسید. مگر به خاطر این که این عملیه موجب برانگیختن جروبحث های تند در شورا نگردد، دیپلمات های شوروی باید تضمین کتبی یی مبنی بر تحقق برخی از خواست های وی (عقد قرار داد تجاری، سهل ساختن شرایط ترانزیت کالا [های خریداری شده از سوی افغانستان] از راه روسیه و مانند آن) بدهند.

نشست [شورای دربار] موعود، به تاریخ 3 اگوست در کابل گشایش یافت که در آن نزدیک به 300 نفر که در میان آن ها اعضای شورای دولتی جدید قانونگذاری که مقارن آن هنگام هنوز رسماً گشایش نیافته بود: سرداران، رهبران روحانی، نمایندگان بارزگانان هندی باشنده کشور و نمایندگانی از قبایل مرزی مسعود و وزیری دیده می شدند، اشتراک ورزیده بودند(به رغم آن که از همه حاضران سوگند به قرآن گرفته شد که مسایل مورد بررسی و نتایج جرو بحث ها فاش نشود، نمایندگی سیاسی شوروی به موقع گزارش کاملی از روند نشست به دست آورد).

جلسه را امیر افتتاح و آن را پیش برد. او اعلام نمود که آرزومند است دیدگاه های بی آلیشانه در باره اوضاع [سیاست] خارجی کشور را بشنود. او حاضران را با سرشت پیشنهادهای اخیر انگلیس آشنا ساخت. اعداد و ارقام کمک های انگلیسی ها را که [حاضر اند] در ازای بستن پیمان دفاعی ارایه نمایند، اعلام کرد. با پنهان نکردن این که سر باز زدن از تقاضای انگلیسی ها می تواند پیچیدگی های جدی را در مرز برانگیزد. مگر خاطر نشان ساخت که او با قرار دادن تحکیم استقلال افغانستان به عنوان هدف حکومت خود «حاضر است کشور را کارزار ... جنگ خونبار تازه یی بگرداند تا این که به پذیرفتن کنترل بیگانه بر روابط خارجی موافقت نماید»، و به

37 . همان جا، برگ 3.

38 . همان جا، برگ 1.

39 . بابا خواجه یف، «شکست سیاست ضد شوروی انگلیس در آسیای میانه و در خاور میانه در دوره شناسایی د- فاکتو و د- ژوری دولت شوروی» (در سال های 1921-1924) ، تاشکنت، 1957، ص 73-74 .

وابستگی پیشین به انگلیس بازگشت نماید. سپس خاطر نشان ساخت که روسیه شرایط دیگری را پیشنهاد می نماید که حاضر است به وی کمک های بلاعوضی ارائه نماید. او آشکارا به حاضران حالی کرد که متمایل به پذیرش پیشنهادهای روسیه و تصویب قرار داد افغانستان- شوروی است.

به هر رو، با توجه به این که امیر عملا دیگر موقف خود را تعیین کرده بود، جر و بحث های تندی [در نشست] درنگرفت. با این هم، در چهارچوب وعده امیر مبنی بر بررسی آزاد [موضوعات]، سخنرانی های نمایندگان شورا- شیر احمد [خان] و عبدالهادی خان داوی که از بخارا برگشته بود، با موقف امیر مبیانت داشتند. شیر احمد، با احتیاط اندیشه یی را ابراز داشت در باره خطرات تهدید نظامی در صورت گسیختگی روابط با انگلیسی ها و از نامطمین بودن به دست آوردن کمک های نظامی چشمگیر از روسیه سخن گفت. سخنرانی داوی بیشتر از دیگر سخنرانان شایان توجه بود که نازکترین مساله مناسبات افغانستان و شوروی در آن هنگام، یعنی مساله بخارا را «شور» داد. او با دلهره از سرازیر شدن نیروهای ارتش سرخ به بخارا، در باره بلشویک ها، در باره کارزار تبلیغات آته ایستی (الحادی) که به هزینه دولت به راه انداخته اند و این که از ادای نیایش های مذهبی آشکارا جلوگیری می نمایند، سخن گفت.

مگر موقف داوی در کل بار دوگانه داشت. او با درک آن که از میان دو «شر» ناگزیر باید کمتر زیان آور آن را برگزید، در آن دوره متمایل بود تا «شر» روسیه شوروی را برای کشور کمتر زیان آورتر [نسبت به «شر» انگلیس] بپندارد. به باور او، بی آن که چشم های خود را روی رخدادهای بخارا ببندیم، بایسته است از روسیه کمک های همه جانبه به دست بیاوریم (همان گونه که ترک و پارس رفتار کردند) تا مهمترین چیز- استقلال افغانستان را حفظ کنیم.

با آن که نمایندگان تاجران محلی هندی (که نگران امکان کاهش چشمگیر دوران تجاری [خود] با هند بودند)، در حمایت از سمتگیری هوادار انگلیس افغانستان ابراز نظر کردند، موقف انگلوفیل ها (هواداران انگلیسی ها) نیرومند نبود، چون امیر که گزارش اصلی را داده بود، ابراز نظر بس مشخصی نموده بود. افزون بر آن، امیر، توضیحات نمایندگان شوروی را در باره قرار داد که در آستانه برگزاری مجلس ارائه نموده بودند، به گونه گسترده به کار گرفت که به گونه که از کار برآمد، مهمترین فاکتور تصویب موفقانه آن گردید. تاثیر ویژه یی را بازخوانی نامه راسکلنیکف در باره موقف [جانب شوروی] مبنی بر خود داری از گشایش قونسولگری ها در مرز با هند، از سوی امیر، بر حاضران برجا گذاشت.⁴⁰ چون افغان ها هراس داشتند که پویایی سیاسی شوروی، می تواند وضع را در مرز ها پیچیده ساخته و افغانستان را به درگیری جدیدی با انگلیس بکشاند.

مجلس تصمیم گرفت قرار داد افغانستان- شوروی را به تصویب برساند و تقاضای های اخیر انگلیس را رد نماید. هنگام رای گیری، تنها هفت نفر از 270 عضو شورا علیه تصویب قرار داد قرار گرفتند. به تاریخ 14 اگوست 1921، اسناد تصویب شده میان افغانستان و روسیه شوروی، به گونه رسمی مبادله شد.⁴¹

پس از تصویب قرار داد با روسیه، افغان ها مذاکرات با انگلیسی ها را به گونه نمایشی برهم زدند. روزنامه «پراودا» [(ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی)] شتاب زده اطلاعات تایید نشده یی را مبنی بر این که هیات بریتانیایی ناگزیر گردیده است پایتخت افغانستان را ترک گفته و به لندن بازگردد، گزارش داد. مگر، دابس به کابل ماند.⁴²

پس از چندی، انگلیسی ها با تلاش به حفظ شرایط تدوین شده از سوی افغان ها، با انصراف از مطالبات فزونی خواهانه، اعلام آمادگی کردند تا قرار داد افغان- انگلیس را مبتنی بر اصولی که بتواند هر دو طرف را ارضاء نماید، به امضاء برسانند. آن ها پنهان نمی کردند که دیگر این قرار داد عمدتا بر ضد تاثیر روز افزون شوروی ها در این کشور متوجه است.

قرار داد 22 نوامبر 1921 افغان- انگلیس،⁴³ استقلال افغانستان را تایید و ترتیب مبادله نمایندگی های دیپلماتیک میان لندن و کابل را تثبیت نمود.

40. مرکز نگهداری... فوندد، پرونده ویژه 1، پوشه 2128، برگ های 8-

11.

41. همان جا، برگ های 9-12.

42. روزنامه پراودا، تاریخ 1921/9/6؛ گزارش سالیانه کمیساریای خلق

در امور خارجی به نهمین کنگره شوراها (1920-1921)، مسکو، 1921، ص-130.

43. برای مطالعه متن قرار داد نگاه شود به:

این گونه، این پیشگویی راسکلنیکف تایید گردید که «افغان ها با نگستن روابط- نه با روسیه و نه با انگلیس، استاتوس کوو (Status quo) یا وضعیت موازنه با ثبات را میان هر دو دولت برقرار خواهند کرد و با کجدار و مریز نگهداشتن روابط میان آن ها، هرگونه سود ممکنه را از هر دو طرف به دست خواهند آورد»⁴⁴

هر چه بود، می توان گفت که هیچ کدام از ابرقدرت های رقیب، از این [کارزار] کشاکش های دیپلماتیک در افغانستان، پیروزمند بدر نشدند. در حالی که جانب افغانی، به هدف اصلی خود- دستیابی به پشتوانه حقوقی وضعیت مستقل کشور و یافتن استاتوس «عضو کامله الحقوق جامعه جهانی» رسید.

Copyright © 2005-2008 www.khorasanzameen.net

⁴⁴. مرکز نگهداری ... فوند 5، پرونده ویژه 1، پوشه 2128، برگ 2